اخبار

واکنش ایران به گزارش هیات حقیقت‌یاب بین‌المللی

سخنگوی وزارت امور خارجه به انتشار گزارش هیأت به اصطلاح حقیقت‌یاب بین‌المللی واکنش نشان داد.

سخنگوی وزارت امور خارجه گزارش منتشر شده از سوی سازوکار موسوم به هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی را به شدت محکوم و تکرار ادعاهای بی‌اساس در این گزارش را که مبتنی بر اطلاعات نادرست و مغرضانه است، فاقد وجاهت قانونی و از اساس مردود دانست.

کنعانی با اشاره به تلاش برخی کشورهای غربی به استمرار پروژه ایران هراسی و بدنام سازی ایران، اظهار داشت؛ هیأت به اصطلاح حقیقت‌یاب که با نمایش مضحک حقوق بشری برخی کشورهای غربی به ویژه آلمان و با پول اهدایی آنها در آذرماه ۱۴۰۱ و پس از شکست پروژه بی‌ثبات سازی داخلی ایران ایجاد شد، با انتشار گزارشی شامل مجموعه‌ای سازمان یافته از تحریف واقعیات و دروغ پردازی‌ها، نه تنها حقیقت‌یابی نکرده، بلکه حقایق را به شکل هدفمندی وارونه نیز جلوه داده است. وی افزود: جمهوری اسلامی ایران این گزارش را که با طراحی رژیم صهیونیستی، آمریکا و برخی از کشورهای غربی تدوین شده است، مصداق بارز سوءاستفاده از مفاهیم و ارزش‌های متعالی حقوق بشری برای پیشبرد اغراض کوته بینانه سیاسی دانسته و آن را فاقد هرگونه وجاهت و اثر قانونی می‌داند.

سخنگوی وزارت امور خارجه در ادامه اظهار کرد: هیأت به اصطلاح حقیقت‌یاب بین‌المللی با ارائه گزارش اخیر نشان داده است که براساس دستورکار بانیان آلمانی، انگلیسی، آمریکایی و صهیونیستی و با گرفتن دستمزد از آنها عمل می‌کند و سازوکارهای حقوق بشری سازمان ملل را بازیچه اهداف شوم و غیرقانونی رژیم‌های فوق قرار داده است. سخنگوی وزارت خارجه افزود؛ کشورهای بانی تشکیل هیأت موسوم به حقیقت‌یاب از امنیت و ثبات حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و ناکام ماندن دخالتهای آنان در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ عصبانی هستند و از طریق انتشار این گزارش قصد انتقامجویی از ملت ایران را دارند. کنعانی تصریح کرد؛ به این کشورها توصیه می‌شود به جای دخالت‌های نابجا در ایران، به موارد نقض حقوق بشر در کشورهای خود بپردازند و به ویژه اگر ذرّه‌ای صداقت و دلسوزی نسبت به حقوق بشر و حقوق زنان دارند، به نقض حقوق هزاران زن و کودک و کشتار بیش از ۳۰ هزار شهروند فلسطینی طی ۵ ماه -که بیش از ۷۰ درصد آنان زنان و کودکان هستند- توجه کرده و از تداوم نسل‌کُشی و جنایت علیه بشریت در غزه حمایت نکنند.

سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر این که آنچه طی حدود دو سال اخیر در گزارش شفاهی و کتبی هیأت به اصطلاح حقیقت یاب به شورای حقوق بشر ارائه شده، عملا اتهام زنی یکطرفه از سوی بانیان ایجاد این هیأت علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است، اظهار کرد: کشورهایی که خود ناقض حقوق دیگر ملت‌ها هستند و در تمام جنایات رژیم صهیونیستی در قتل عام غیرنظامیان بویژه زنان و کودکان شریک هستند، نمی‌توانند در مقام مدعی و یا قاضی وضعیت حقوق بشر در یک کشور بنشینند، بلکه می‌بایست پاسخگوی جنایات خود در نقض فاحش حقوق بشر باشند.

کنعانی گفت؛ بدیهی است جمهوری اسلامی ایران متعهدانه، برای تعالی و پیشرفت روزافزون زنان و دختران سرزمین خود تلاش خواهد کرد و آینده ایران اسلامی را زنان و دختران آن که مایه افتخار و سربلندی کشور هستند، خواهند ساخت و در این مسیر، هوشیارانه توطئه های مداخله جویانه را خنثی خواهند نمود.

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به تشکیل کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ (منتخب رئیس جمهور) اظهار کرد: کمیته مذکور گزارش نهایی خود را طی چند روز اخیر به رئیس جمهور ایران ارسال نموده است. این گزارش در راستای اجرای مأموریت‌ها و وظایف محوله از سوی رئیس جمهور به کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ تنظیم شده و ضمن بررسی عوامل مختلف مؤثر بر شکل‌گیری ناآرامی های سال گذشته و همچنین اقدامات لازم در جهت مسئولیت پذیری نظام جمهوری اسلامی ایران در پیگیری حقوق شهروندان و نیروهای مجری قانون، حاوی برخی توصیه‌ها و پیشنهادها نیز می‌باشد.

به گزارش ایسنا، کمیته موسوم به حقیقت‌یاب سازمان ملل با انتشار گزارشی با اشاره به اتفاقات سال گذشته در ایران مدعی نقض حقوق بشر و جنایات علیه بشریت از سوی این کشور شده است.

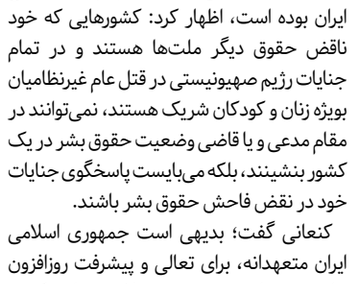

سیاستی که برای پکن مشکل‌ساز می‌شود

یک بام و دو هوای چین در قبال جنگ غزه

سیاست یک و بام و دوهوای چین که از یک سو موضع بی طرفی در پیش گرفته است و از سوی دیگر سعی دارد تا به نحوی رفتار کند که رضایت جهان اسلام را به دست آورد برای این کشور مشکلاتی را به همراه خواهد داشت چرا که این رویکرد باعث شده از یک طرف کشورهای منطقه به واسطه عدم موضع‌گیری صریح در قبال بحران غزه به چین چندان خوش بین نباشند و از طرف دیگر آمریکا و اسرائیل پکن را بدلیل عدم محکوم کردن حماس مورد بازخواست قرار دهند.

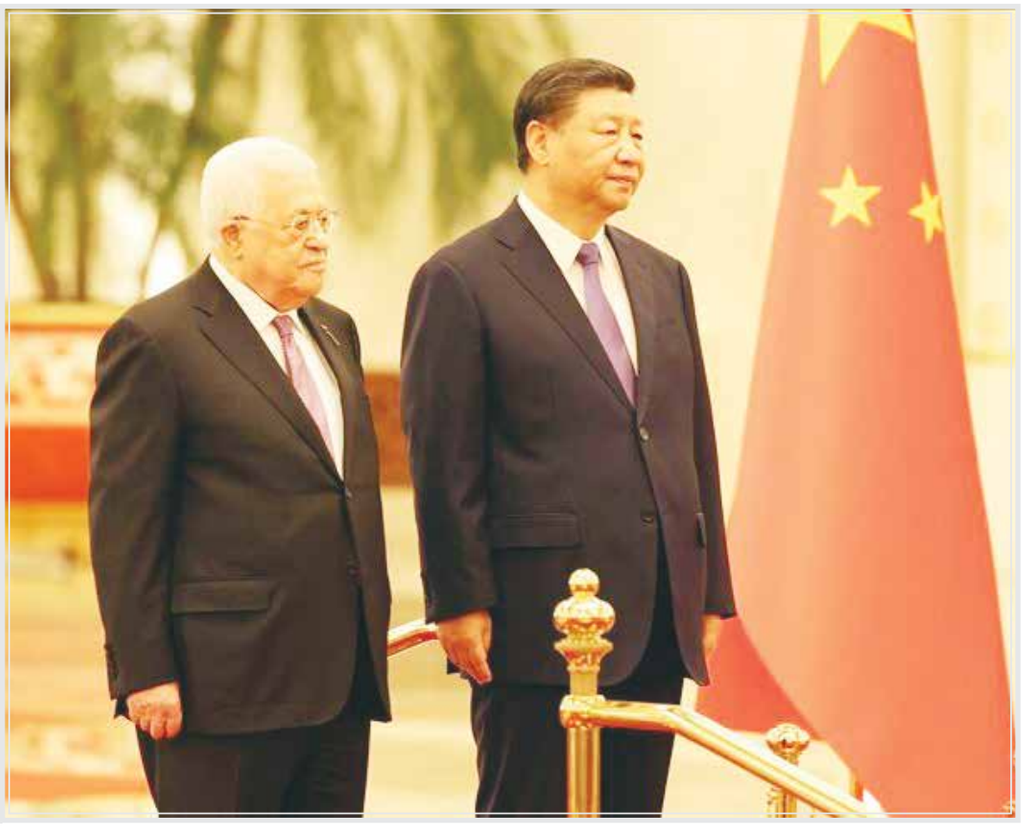

باید در نظر داشت که چین سعی دارد تا از بحران غزه به نفع خود بهره برداری کند و از زمان حمله حماس در ۷ اکتبر سیاست محتاطانه ای را در مورد جنگ اسرائیل در نوار غزه ترسیم کرده است

نماینده دائمی چین در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو و سایر سازمان‌های بین‌المللی در سوئیس بر درخواست پکن برای اعلام آتش‌بس فوری در غزه تاکید کرد.

چن شو در پنجاه و پنجمین جلسه اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره موضع چین نسبت به مسئله فلسطین و رژیم اسرائیل اظهار کرد: «حال که نوار غزه با بحران انسانی بی سابقه‌ای مواجه است، آتش بس، تقاضای فوری جامعه جهانی و لازمه دستیابی به صلح است.» وی تاکید کرد که رژیم صهیونیستی باید اقدامات موقت دیوان بین المللی دادگستری را به درستی اجرا کند.

چن شو گفت که چین همواره از دلیل موجه مردم فلسطین برای بازیابی حقوق ملی مشروع خود حمایت کرده و با انتقال اجباری فلسطینیان و اشغال قلمرو فلسطین به شدت مخالف است. وی بیان کرد: «راه حل دو دولتی اجماع کلی جامعه بین المللی و روشی واقع بینانه برای تحقق نهایی همزیستی مسالمت آمیز فلسطین و اسرائیل است.»

به گزارش خبرآنلاین، گفتنی است چندی پیش نیز سخنگوی وزارت امور خارجه چین در مورد حملات اسرائیل به رفح موضع گیری کرد. مائو نینگ در این مورد اظهار داشت: «پکن با هر اقدامی که به غیرنظامیان آسیب می‌رساند یا قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند، مخالف است و آن را محکوم می‌کند.»

وی افزود: «ما از اسرائیل می‌خواهیم که به این حملات، هرچه سریع‌تر پایان دهد و تمام تلاش خود را برای کاهش تلفات غیرنظامیان بی‌گناه انجام دهد. این موضوع نباید به یک بحران انسانی جدی‌تر تبدیل شود.»

روابط چین با فلسطین و اسرائیل

اسرائیل در سال ۱۹۵۰ اولین کشور خاورمیانه بود که جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت با این وجود تا سال ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک میان آنها برقرار نشد. سپس رژیم صهیونیستی و چین در سال ۲۰۱۷ روابط خود را به مشارکت جامع نوآورانه ارتقا دادند از آن زمان پکن و تل آویو روابط تنگاتنگی بخصوص در حوزه تجارت و فناوری دارند و همین مساله آمریکا را از غلتیدن اسرائیل به دامان چین بسیار نگران کرده است.

اما روابط چین با فلسطین هم تاریخی دیرینه دارد. در دوران مائو سیاست خارجی چین حمایت از جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای جهان سوم بود به همین دلیل پکن از گروه های متعددی که برای آزادی فلسطین مبارزه می کردند حمایت می کرد. در سال ۱۹۸۸ چین دولت فلسطین را مورد شناسائی قرار داد؛ اما روابط دوجانبه با این کشور در سال ۱۹۶۵ آغاز شد. چین از ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی بر اساس مرزهای سال ۱۹۶۷ حمایت می کند.

تلاش چین برای بهره برداری از بحران غزه

پکن در مورد جنگ غزه تلاش دارد تا از بروز یک جنگ منطقه ای وسیع جلوگیری کند. تقریباً یک میلیون شهروند چینی در خاورمیانه زندگی و کار می کنند و چین تلاش می کند تا اوضاع منطقه به گونه ای باشد که آنها در معرض خطر قرار نگیرند. مهمتر از آن، چین جریان نفت از خلیج فارس به سواحل خود را جزو منافع استراتژیک و حیاتی خود می داند. علاوه بر این، چین میلیاردها دلار سرمایه گذاری در قالب طرح کمربند و جاده در منطقه دارد و تجارت کلی آن با جهان عرب در سال ۲۰۲۲ بیش از ۴۳۰ میلیارد دلار بوده است بنابراین چین برای حفاظت از این سرمایه‌گذاری‌ها و روابط تجاری به ثبات منطقه‌ای نیاز دارد.

اما در عین حال باید در نظر داشت که چین سعی دارد تا از بحران غزه به نفع خود بهره برداری کند. چین از زمان حمله حماس در ۷ اکتبر سیاست محتاطانه ای را در مورد جنگ اسرائیل در نوار غزه ترسیم کرده است. چین در عین اینکه سیاست بی طرفی در پیش گرفته است بنا دارد تا با کشورهای عربی همسو باشد. در مقابل، انتظار دارد که از حمایت آنها در سازمان های بین المللی در مورد موضوعات استراتژیک مانند تایوان، استان سین کیانگ و الگوی حکمرانی جهانی چین برخوردار شود.

درست به همین دلیل است که چین در ۳۰ نوامبر، آخرین روز ریاست دوره ای خود در شورای امنیت سازمان ملل، یک بیانیه در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطین منتشر کرد. که شامل درخواست برای آتش بس و کمک های بشردوستانه برای فلسطینی ها و همچنین میانجیگری و حل و فصل سیاسی مسئله فلسطین با اتکا به راه حل دو دولتی بود. در ۱۵ اکتبر، وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، از بمباران غیرنظامیان توسط اسرائیل انتقاد کرد و گفت که اقدامات اسرائیل فراتر از دفاع از خود بوده است و کارزار این رژیم را مجازات دسته جمعی توصیف کرد. همچنین در ۲۰ نوامبر، وانگ یی گفت: «چین دوست و برادر خوب کشورهای عربی و اسلامی است و ما همواره از حقوق و منافع مشروع کشورهای عربی و اسلامی قاطعانه دفاع کرده‌ایم و همواره قاطعانه از آرمان عادلانه مردم فلسطین حمایت کرده‌ایم.»

اما این سیاست یک و بام و دوهوای چین که از یک سو موضع بی طرفی در پیش گرفته است و از سوی دیگر سعی دارد تا به نحوی رفتار کند که رضایت جهان اسلام را به دست آورد برای این کشور مشکلاتی را به همراه خواهد داشت چرا که این رویکرد باعث شده از یک طرف کشورهای منطقه به واسطه عدم موضع‌گیری صریح در قبال بحران غزه به چین چندان خوش بین نباشند و از طرف دیگر آمریکا و اسرائیل پکن را بدلیل عدم محکوم کردن حماس مورد بازخواست قرار دهند.

انتخابات آمریکا چه تاثیری بر اقتصاد و بازارهای جهانی خواهد گذاشت؟

ترامپ و تصویر ریسک اقتصاد جهانی

ما وارد دوره تشدید رقابت‌ها و درگیری‌های ژئوپولیتیکی شده ایم. جنگ روسیه علیه اوکراین اکنون در سومین سال خود قرار دارد. درگیری میان اسرائیل و حماس کماکان می‌تواند به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل شود و تعمیق جنگ سرد بین ایالات متحده و چین ممکن است در دهه جاری بر سر مسئله تایوان بالا گیرد.

اگر دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر پیروز شود جهان بیش از وضعیت فعلی بی ثبات خواهد شد. با این وجود، خطرات فعلی که پیش‌تر ذکر کردم تاکنون تنها تاثیر محدودی بر اقتصادها و بازارها داشته اند. وضعیت ممکن است به زودی تغییر کند؟

به گزارش فرارو، در حالی که جنگ روسیه و اوکراین هم چنان ادامه دارد، تاثیرات جهانی آن احتمالا کم‌تر شده است. خطرات دخالت مستقیم ناتو یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی توسط روسیه امروز کمتر از دوره‌های بیش از جنگ است. به همین ترتیب، در حالی که جنگ در ابتدا باعث افزایش قیمت‌های انرژی، مواد غذایی، کود و فلزات صنعتی شد حتی اروپا که بیش‌ترین آسیب را از این موارد متحمل شده تنها با کاهش متوسط رشد (یا در برخی موارد توقف رشد) این شوک را جذب کرده است. در مقابل، رکود شدیدی که بسیاری از تحلیلگران از آن می‌ترسیدند رخ نداده است.

انرژی وارداتی روسیه با افزایش واردات انرژی از ایالات متحده و کشورهای خاورمیانه جایگزین شده است. از زمانی که اوکراین موفق شد کریدور دریای سیاه را برای صادرات غلات خود بازگشایی کند تاثیر آن بر قیمت مواد غذایی کاهش یافته است. جنگ اسرائیل و حماس نیز تاکنون تنها تاثیر اقتصادی محدودی در منطقه و جهان داشته است. درست است. تولید ناخالص داخلی اسرائیل در سه ماهه چهارم سال ۲۰۲۳ به شدت کاهش یافت و احتمالا تا زمانی که درگیری ادامه دارد، ضعیف باقی خواهد ماند. بدیهی است که آسیب اقتصادی وارد شده بر غزه حتی شدیدتر است و درآمد مصر از کانال سوئز به عنوان منبع اصلی دریافت ارز خارجی به دلیل حملات نیروهای انصارالله یمن به تجهیزات حمل و نقل کالا از طریق دریای سرخ کاهش یافته است. با این وجود، اگر تضاد در خطوط کنونی خود مهار شود تاثیر اقتصادی و بازار جهانی نیز محدود خواهد بود.

در هر حال، تشدید تنش منطقه‌ای مانند جنگ آشکار بین اسرائیل و حزب الله در لبنان یا نشانه‌هایی از این که اسرائیل (و احتمالا ایالات متحده) در مسیر جنگ با ایران قرار دارند ما را ملزم می‌سازد تا انتظار تشدید تنش جهانی را داشته باشیم. وقوع یک جنگ تمام عیار بین اسرائیل و ایران به شدت تولید و صادرات انرژی از خلیج فارس را کاهش می‌دهد و باعث افزایش قیمت انرژی مشابه شوک‌های رکود تورمی جهانی خواهد شد که پس از جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ و پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی رخ داد. خوشبختانه فعلا احتمال تشدید تنش شدید منطقه‌ای در سطح پایینی قرار دارد.

در حالی که جنگ سرد یا رقابت استراتژیک بین آمریکا و چین احتمالا در طول زمان بدتر خواهد شد روابط بین دو کشور در سال جاری احتمالا بدتر نخواهد شد. جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و شی جین پینگ همتای چینی اش اواخر سال گذشته با گرم شدن تاکتیکی روابط بین دو کشور موافقت کردند و واکنش چین به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری تایوان نیز علیرغم آن که نتیجه مطلوب پکن نبود شدید نبوده و نسبتا محدود بوده است. اگرچه مسئله تایوان ممکن است در اواخر دهه جاری داغ شود، اما احتمالا در سال جاری یا سال آینده این اتفاق رخ نخواهد داد، ضعف‌ها و شکنندگی‌های اقتصادی چین ممکن است باعث شود آن کشور کم‌تر با ایالات متحده و غرب درگیر شود.

در عین حال، محدودیت تجارت کالا، خدمات، سرمایه و فناوری غرب در کوتاه مدت تشدید نخواهد شد. تا زمانی که رقابت استراتژیک مدیریت شود تاثیر آن رقابت بر اقتصاد جهانی اندک خواهد بود.

بزرگترین خطر ژئوپولیتیکی برای رشد اقتصادی و بازارها نتیجه انتخابات ایالات متحده است. با این وجود، در اینجا مهم است که بدانیم ترامپ و بایدن در برخی از اولویت‌های سیاست خارجی نقاط اشتراکی با یکدیگر دارند. دموکرات‌ها و جمهوری خواهان به طور یکسان در مورد چین موضع تند و تهاجمی‌ای دارند و همین طور نیز باقی خواهند ماند. بایدن و ترامپ هر دو از حامیان قوی اسرائیل بوده‌اند، اما آنان هم چنین می‌دانند که عادی‌سازی مطلوب روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی ممکن است مستلزم شناخت راه حل نهایی دو کشوری اسرائیل و فلسطین باشد. بزرگترین تفاوت میان ترامپ و بایدن در مورد مسائلی از جمله ناتو، اروپا و درگیری روسیه و اوکراین است. برخی نگران هستند که ترامپ اوکراین را رها کند و اجازه دهد روسیه در جنگ پیروز شود. با این وجود، از آنجایی که او احتمالا در قبال چین موضعی تند را حفظ خواهد کرد ممکن است نگران سیگنالی باشد که سقوط احتمالی اوکراین به چین در مورد امکان تسلط پکن بر تایوان به دنبال تسلط روسیه بر اوکراین ارسال خواهد کرد. علاوه بر این، آن چه ترامپ واقعا می‌خواهد آن است که اعضای اروپایی ناتو بار هزینه دفاعی بیش تری را برعهده گیرند. اگر کشورهای اروپایی این کار را انجام دهند او ممکن است ارزش آن پیمان دفاعی را برای مهار چین تشخیص دهد.

بزرگترین تاثیری که دولت احتمالی ترامپ بر بازارها خواهد گذاشت سیاستگذاری‌های اقتصادی آن دولت است. تردیدی وجود ندارد که ترامپ سیاست‌های حمایت از تولیدات و صنایع داخلی امریکا را تشدید خواهد کرد. ترامپ پیش‌تر گفته بود که بر همه کالاهای وارداتی به ایالات متحده تعرفه ۱۰ درصدی اعمال خواهد کرد (میانگین نرخ تعرفه در حال حاضر حدود ۲ درصد است) و احتمالا حتی تعرفه‌های بیشتری بر واردات از چین اعمال خواهد کرد. این امر نه تنها در مورد رقبای استراتژیک مانند چین بلکه در قبال با متحدان آمریکا در اروپا و آسیا مانند ژاپن و کره جنوبی جرقه جنگ‌های تجاری جدیدی را خواهد زد.

یک جنگ تجاری جهانی باعث کاهش رشد و افزایش تورم می‌شود و آن را به بزرگترین خطر ژئوپولیتیکی تبدیل می‌کند که بازارها باید در ماه‌های آینده در نظر بگیرند. در این سناریو معکوس شدن روند جهانی شدن، جداسازی، پراکندگی، حمایت از صنایع و تولیدات داخلی، بالکانیزاسیون زنجیره‌های عرضه جهانی و دلارزدایی به خطرات بزرگ تری برای رشد اقتصادی و بازارهای مالی تبدیل خواهند شد.

خطرات رکود تورمی اضافی مرتبط با رویکرد ترامپ از جمله نگرش انکارگرایانه وی نسبت به تغییرات آب و هوایی و احتمال این که او تلاش کند "جروم پاول" رئیس فدرال رزرو ایالات متحده را با شخصیتی منعطفتر جایگزین کند افزایش خواهد یافت. در نهایت، سیاست‌های مالی ترامپ باعث افزایش کسری بودجه می‌شود که در حال حاضر بسیار زیاد است. خطر این که محافظان اوراق قرضه درنهایت بازارهای اوراق قرضه را با بازدهی بسیار بالاتر شوکه کنند افزایش می‌یابد. با بالا بودن و افزایش بدهی‌های خصوصی و دولتی این امر شبح یک بحران مالی را به وجود می‌آورد.

همانطور که مصطلح است این اقتصاد است، احمق. دستور کار سیاست اقتصادی پیشنهادی ترامپ اکنون بزرگترین تهدید برای اقتصادها و بازارهای سراسر جهان است.

محافظان اوراق قرضه (Bond Vigilantes) سرمایه گذارانی هستند که با فروش تهاجمی اوراق قرضه علیه سیاست‌های مالی ویا پولی انبساطی اعتراض می‌کنند. این امر به نوبه خود هزینه‌های استقراض را برای دولت افزایش می‌دهد. برای مثال، در طول دوره افزایش تورم در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی فدرال رزرو در ابتدا کاملا ضعیف باقی ماند و نرخ‌های بهره را ثابت نگه داشت. با این وجود، مراقبان اوراق قرضه به زودی در اعتراض به این سیاست ظاهر شدند، زیرا آنان معتقد بودند که برای مهار فشارهای تورمی باید نرخ‌ها بسیار بالاتر باشند.

اخبار

اردوغان برای اولین بار از ترک قدرت صحبت کرد

رئیس جمهوری ترکیه روز جمعه برای اولین بار در مورد ترک قدرت صحبت و تاکید کرد که انتخابات شهرداری که قرار است در ۳۱ مارس برگزار شود، «آخرین» برای او خواهد بود.

به گزارش ایسنا، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه که از سال ۲۰۰۳ به عنوان نخست وزیر و سپس رئیس جمهور در قدرت بوده‌است، گفت: «من بدون توقف به کار خود ادامه می‌دهم. ما یک نفس می‌دویم زیرا برای من این پایان کار است. با اختیاراتی که قانون به من داده‌است، این انتخابات آخرین انتخابات من است.»

به نقل از وبگاه شبکه الجزیره، او ۲۲ روز قبل از انتخابات، در جمع جمعیتی از بنیاد جوانان ترکیه گفت: «اما نتیجه برای برادرانم که پس از من خواهند آمد، یک برکت خواهد بود. انتقال اعتماد صورت خواهد گرفت.»

رئیس جمهور ترکیه خواستار رأی گیری به گونه‌ای شد که نمایندگان حزب حاکم، و نه شهرداران مخالف فعلی، بتوانند در انتخابات شهرداری استانبول، آنکارا و ازمیر پیروز شوند و بدین ترتیب «عصر جدیدی» در اول آوریل آغاز شود.

مساله اصلی انتخاباتی برای حزب حاکم عدالت و توسعه، احیای استانبول، شهر اصلی و پایتخت اقتصادی کشور است که در سال ۲۰۱۹ به مخالفان رسید و خود اردوغان شهردار آن در دهه ۱۹۹۰ بود.

مراکز نظرسنجی در ترکیه می‌گویند که اختلاف بین احزاب اپوزیسیون امیدهای رئیس جمهور اردوغان را برای اینکه حزب عدالت و توسعه بتواند کرسی استانبول را در انتخابات آتی شهرداری دوباره به دست آورد، تقویت می‌کند. این پس از آن است که سال گذشته اردوغان مطابق با قانون اساسی برای سومین و آخرین دوره، ریاست جمهوری به دست آورد.

هفته گذشته، سازمان عالی انتخابات ترکیه فهرست نهایی نامزدهای انتخابات عمومی محلی را که در ۳۱ مارس برگزار می‌شود، در وبگاه خود منتشر کرد.

بر اساس این لیست، استانبول با ۴۹ نامزد، از جمله ۲۲ نفر از احزاب سیاسی و ۲۷ نامزد مستقل، به بزرگترین شهر تبدیل شده‌است که در آن نامزدها برای تصدی پست شهردار این شهر بزرگ رقابت خواهند کرد.

سفارش‌های کارخانه‌های آلمان کاهش یافت

سفارش‌های کارخانه‌های آلمان در ابتدای سال ۲۰۲۴ به دنبال افزایش در ماه دسامبر به‌شدت کاهش یافت، روندی که نشان‌دهنده مشکلات بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا برای غلبه بر ضعف‌های اخیر است.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، داده‌های منتشر شده در روز پنجشنبه حاکی از کاهش ۱۱٫۳ درصدی تقاضا برای سفارش‌های کارخانه‌ای در ژانویه نسبت به ماه قبل است. این وضعیت بدتر از چیزی است که اقتصاددان در نظرسنجی بلومبرگ پیش‌بینی کرده بودند. مرکز آمار آلمان اعلام کرد که این کاهش به دلیل کاهش سفارش‌های عمده بود که پس از نمایش قوی در ماه دسامبر، به سطح عادی خود بازگشته است. به گفته مرکز آمار آلمان، قرائت ۳ ماهه داده‌های اقتصادی با میزان نوسان کمتر، افزایشی ۲٫۳ درصدی نسبت به دوره قبل را نشان می‌دهد. این داده‌ها یک روز پس‌ازآن منتشر می‌شود که اعداد قوی صادرات آلمان در ابتدای سال ۲۰۲۴ نشان داد که ضعف صنعتی این کشور ممکن است روبه کاهش گذاشته باشد. رکود طولانی‌مدت در بخش تولید بزرگ آلمان بر کل اقتصاد که ممکن است اکنون در رکود به سر می‌برد، فشار می‌آورد.

بوندس بانک هشدار داده است که تولید ممکن است در دوره ژانویه تا مارس پس از کاهش ۰٫۳ درصدی در ۳ ماه پایانی ۲۰۲۳ کاهش یابد. اما اصرار دارد که رکود شدید محتمل نیست.

به طور کلی در سال ۲۰۲۳ آلمان تنها کشور گروه ۷ بود که شاهد کاهش تولید ناخالص داخلی بود. تولید ناخالص داخلی سال گذشته در بحبوحه تقاضای ضعیف جهانی، تورم بالا، پیامدهای از دست دادن منابع انرژی ارزان روسیه و تصمیم دادگاه برای محدود کردن هزینه‌های بودجه، ۰٫۳ درصد کاهش یافت.

این ضعف در منطقه یورو گسترده‌تر احساس می‌شود، که اقتصاد ۲۰ کشور آن بیش از یک سال است که بر لبه تیغ رکود اقتصادی درحرکت است. آلمان در ماه گذشته پیش‌بینی رشد خود را برای سال جاری به ۰٫۲ درصد کاهش داد؛ تخمینی بسیار بهتر از ۱٫۳ درصدی که چند ماه پیش پیش‌بینی کرده بود.

یک کارشناس مسائل افغانستان تشریح کرد

چین و روسیه هیچ حساسیتی به وضعیت حقوق بشر افغانستان ندارند

یک کارشناس مسائل افغانستان گفت: چین چشم خود را به منابع افغانستان دوخته و برایش مهم نیست که چه اقدامی در داخل این کشور از سوی طالبان رخ می‌دهد.

پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل افغانستان در تشریح دلایل مخالفت چین و روسیه با انتخاب نماینده ویژه سازمان ملل برای افغانستان در گفت‌وگو با ایلنا عنوان کرد: واقعیت این است که افغانستان فعلی در معرض رقابت‌های شدید غرب و اتحادیه اروپا از یک سو و چین و روسیه از سوی دیگر قرار دارد. هر طرف به دنبال گسترش نفوذ خود بر اساس منافعشان هستند اما طالبان در حال مقاومت با خواسته‌های دیگران هستند. در ظاهر چین و روسیه هیچ حساسیتی نسبت به مسائل داخلی افغانستان اعم از حقوق بشر و مساله زنان ندارند و مناسبات خود را در خارج از این چهارچوب با کابل تنظیم می‌کنند. در مقابل ایالات متحده بر خلاف این دو کشور عمل می‌کند و به دنبال آن است که کابل را تحت فشار قرار دهد. غرب به این نتیجه رسیده که صلاح افغانستان در بی‌طرفی است و به نوعی شمایلی از دوران ظاهر شاه را مطرح می‌کنند.
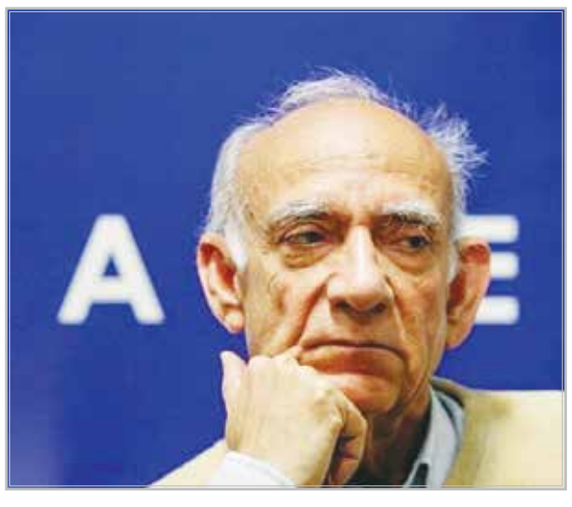
وی ادامه داد: آنها معتقدند که در درون افغانستان چندپارگی جمعیتی و قومی وجود دارد که آرایش متفاوتی از ازبک‌ها، تاجیک‌ها، پشتون‌ها، هزاره‌ها و غیره را به وجود آورده اما هر کدام از کشورهای همسایه افغانستان مایل به دخالت در این کشور بر اساس منافع و راهبردهای خود هستند. در سطح بین‌المللی هم که دومین سطح دخالت است، باز هم شاهد این مسائل هستیم که همانند قرن ۱۸ و ۱۹ تاکنون باید گفت که نظاره‌گر تکرار چنین روندی بودیم. آخرین نمونه اشغال افغانستان به ۲۰ سال گذشته برمی‌گردد و در نهایت شاهد آن هستیم که هر سه امپراتوری مطرح جهان در افغانستان شکست را تجربه کردند و مجبور به خروج از این کشور شدند. به این دلیل هنوز هم زمینه برای دخالت در افغانستان وجود دارد اما باید توجه داشت که در این راستا چین چشم خود را به منابع افغانستان دوخته است و سرمایه‌گذاری خود را در این کشور انجام می‌دهد و برایش مهم نیست که چه اقدامی در داخل این کشور از سوی طالبان رخ می‌دهد. این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: روسیه هم دقیقاً همین تفکر پکن را دارد و اساساً برای آنها اهمیت ندارد که چه اتفاقی در داخل افغانستان رخ می‌دهد. برای غرب اما این روند به صورت دیگری است و در اینجاست که طالبان مقابل برخی از خواسته‌ها مقاومت می‌کند و با سناریوی سازمان ملل همسو نیست. به همین دلیل هر نشستی که بر اساس منافع غرب در شورای امنیت سازمان ملل و یا سطوح دیگر برگزار شود از سوی طالبان مورد قبول نخواهد بود. در این میان روسیه همچنان معتقد است که تهدید جریان‌های تروریستی در افغانستان وجود دارد اما بحث فعلی ما حول سه جریان اعم از داعش، القاعده و طالبان می‌گردد. در داعش نفرات بسیاری از جریان‌های آسیای میانه علیه حاکمیت سوریه و عراق دست به سلاح شدند و این در حالیست که آمریکا فکر می‌کند اگر قرار باشد روزی از بنیادگراهای رادیکال استفاده شود، نیروی مستقر در آسیای میانه هنوز پتانسیل این مسأله را خواهند داشت. وی در پایان خاطرنشان کرد: در این میان به نظر می‌رسد که طالبان تا حالا برخورد بسیار جدی با جریانات مذکور نداشته است. به موازات این روند، روسیه اعلام می‌کند که تسلیحات به جا مانده از آمریکا در افغانستان، در اختیار جریان‌های تروریستی قرار گرفته اما باید توجه داشت که اگر چنین اتفاقی رخ داده باشد بدون شک طالبان این تسلیحات را در اختیار جریان‌های مذکور قرار نداده است و آنها به صورت دیگری این تسلیحات را دریافت کرده‌اند. باید متوجه بود که اساساً اختلاف داعش و طالبان با یکدیگر بر سر سرزمین است و به همین دلیل نگرانی چین و روسیه این است که آمریکا در برهه‌ای اقدام به استفاده از این جریان‌های رادیکال کند، که این موضوع برای پکن و مسکو یک تهدید علنی به حساب می‌آید و نگرانی‌هایی در این میان به وجود آورده است.